

ساعتی میهمان غرفه کردستان در نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع دستی

# دست‌بافته‌های ارغوانی سنندج

مریم طالبی  
گزارش نویسنده

همه‌اش می‌شود همان که جمع کرده‌ایم و بافته‌ایم.»  
گلچین روی یکی از سبدها دست می‌کشد و می‌گوید: «همه‌اش کار خودم است. خودم و بچه‌هایم. دو تا بچه دارم، یکی دختر و یکی پسر. از بیجگی کار را یادشان داده‌ام و حالا دیگر خودشان استاد شده‌اند و با خودم کار می‌کنند. در سنندج کارگاه دارم، در موزه خانه حبیبی.»

چند زن توجهشان به حرف‌های گلچین جلب می‌شود. دم غرفه می‌ایستند و گوش می‌دهند. اینجا در نمایشگاه بین‌المللی صنایع دستی و گردشگری تهران دارم فکر می‌کنم چقدر خوب است که آدم می‌شغل موروثی‌اش اینقدر اسم قشنگی داشته باشد؛ اینکه آدم به بقیه بگوید ما نسل در نسل ارغوان‌باف بوده‌ایم. لابد بین خانواده خیلی‌ها اسم بچه‌هایشان را می‌گذارند ارغوان که چه اسم قشنگی است. مثل اسم خود گلچین که معلوم است از شغل خانوادگی‌شان گرفته شده است.

یکی از زن‌ها قیمت سبدهای روی دیوار را می‌پرسد. قیمت‌ها از ۱۵۰ هزار تومان تا ۳۵۰ هزار تومان است و از آن آبکش‌های بزرگ و جاندار است که سال‌ها سال توی خانه‌ها می‌ماند و توی آن برنج آبکش می‌کنند و سبزی می‌شویند و آخ نمی‌گوید. قشنگ هم است و جان می‌دهد برای گرفتن عکس‌های فانتزی با نورپردازی‌های طبیعی. آفتاب خودش کار را تمام می‌کند و نور می‌پاشد به عکس.

یادم می‌آفتد که مادر بزرگم یکی از همین آبکش‌های ارغوانی داشت که از سیدفروش‌های دوره‌گرد معروف به سیدی خریده بود. سبدهای آن موقع هنوز بساطشان جمع نشده بود. قبل‌تر از آن سبدهای

گلچین، شاخه ارغوان را به دست می‌گیرد. شاخه نرم و نازک با دستش چوری آشناست که آدم خیال می‌کند کودکی است آرمیده در آغوش مادر.

گلچین غلام‌ویسی، اهل سنندج با چشم‌های روشنی که انکار روشنی نور کوهستان‌های شهرش را با خود آورده، ارغوان‌باف است. شاخه‌های ارغوان را در هم می‌تند و به شکل سبدهای بزرگ و کوچک درمی‌آورد و اسم این کار ارغوان‌بافی است و آدم خیال می‌کند چه نام عاشقانه‌ای می‌تواند باشد برای یک شغل. البته که بی‌راه هم نیست چون ارغوان را درخت عشق می‌نامند. برگ‌های ارغوان به شکل قلب است و دلیل آن‌که به درخت عشق معروف شده هم همین است.

ارغوان در اشعار هم جای خودش را باز کرده است آنجا که حافظ می‌سراید: «ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد...» و آنجا که دیگر شاعران برای وصف بهار از ارغوان مدد می‌جویند که زمان خودنمایی‌اش بهار است و تصویر دره‌های ارغوان کردستان و ایلام را اگر دیده باشید، فکر می‌کنید که بهشت همانجاست. ارغوان نماد معشوقی زیبا در شعر است و نیز دلبری محزون.

گلچین شاخه ارغوان به دست، احاطه شده میان تمام بافته‌های ارغوانی، قصه دست‌بافته‌اش را می‌گوید: «برای جمع‌آوری شاخه‌ها به کوه‌های سنندج می‌رویم. هر سال کارمان همین است. شاخه‌ها را جمع می‌کنیم و می‌آوریم تا تمام پاییز و زمستان را کار کنیم و ببافیم. بهار که می‌شود دیگر ترکه‌هایمان تمام شده است و تابستان هم. وقتی دیگر ترکه نداشته باشیم، از کار هم خبری نیست.



ایران

ارغوان را تماشا کنم که کوه را کله به کله صورتی کرده‌اند؛ همان صورتی که اسمش ارغوانی است و اگر یک بار آن شاخه زیبای شگفت‌انگیز را ببینید، دیگر دلتان می‌خواهد به هر صورتی بگوید ارغوانی.  
گلچین توضیح می‌دهد که فقط با شانه‌های چوبی موهایشان را شانه می‌کنند و یک شانه چوبی کوچک در بساطش پیدا می‌کند و روی هوا می‌کشد و من دختر کوچکی با موهای قهوه‌ای روشن را تصور می‌کنم که می‌دود و موهایش در باد به رقص درمی‌آید. شاید اسمش ارغوان باشد.  
می‌بینید، آدم می‌تواند به دست‌بافته‌ها و دست‌ساخته‌ها نگاه کند و خیال ببافد. می‌تواند تصاویری را که دوست دارد تجسم کند و به همان چیزهایی که دوست دارد فکر کند. یاد شعر سایه می‌آفتد: «ارغوان شاخه هم خون جدامانده من، آسمان تو چه رنگ است امروز؟»

خالصی می‌کند و خوش به حال هنرمندانی که با دست‌سازهایشان دردهای نهفته را سبک می‌کنند.  
گلچین یک قاشق چوبی اندازه قاشق غذاخوری برمی‌دارد و می‌گوید: «خودم با همین قاشق‌ها غذا می‌خوردم. اصلاً در آشپزخانه‌ام فقط قاشق‌های چوبی دارم. این یکی برای سوپ است. این هم ملاقه برای هم زدن. کتفگیر هم هست. خودم با همین‌ها آشپزی می‌کنم. فقط یادتان باشد وقتی می‌خواهید قاشق چوبی استفاده کنید، باید اول آن را چرب کنید و کمی کنار بگذارید و بعد استفاده کنید.»  
دارم تصور می‌کنم آشپزخانه زن را که در آن توی سبدهای ارغوانی برنج آبکش می‌کند و با قاشق چوبی آن را توی قابلمه می‌کشد و صاف می‌کند. بوی برنج می‌پیچد توی دماغم. بعد دلم می‌خواهد بهار باشد و رفته باشم کوهستان‌های سنندج و درخت‌های

است.»  
کار دست، اصلاً با آدم حرف می‌زند؛ روح دارد انگار، مثلاً قاشق‌های چوبی دست‌تراشی که روی میز جلوی گلچین گذاشته شده و هرکدامشان یک شکل و اندازه‌ی خاص خودش را دارد، یک جورهایی حس و حال سازنده را در لحظه تراشیدن چوب به آدم منتقل می‌کنند. مثلاً ملاقه چوبی بزرگی که یک تکه از کنارش بیکو به داخل اتخنا پیدا کرده، لابد مال همان وقتی است که سازنده حواسش نبوده است. شاید یاد عزیز از دست رفته افتاده باشد آن موقع یا دردی کهنه را به خاطر آورده باشد؛ دردی که با دست کشیدن روی دست‌هایش، من هم آن را حس می‌کنم. آدم‌ها دردهای مختلف دارند اما اساس درد همان است که هست. همان در خود فرو رفتن‌ها و لب‌گریدن‌ها و هیچ‌نگفتن‌ها. اینجور وقت‌ها هرکس یک جور خودش را

«  
برای جمع‌آوری شاخه‌های ارغوان به کوه‌های سنندج می‌رویم. هر سال کارمان همین است. شاخه‌ها را جمع می‌کنیم و می‌آوریم که تمام پاییز زمستان را کار کنیم و ببافیم. بهار که می‌شود دیگر ترکه‌هایمان تمام شده است. دو تا بچه دارم، یکی دختر و یکی پسر. از بیجگی کار را یادشان داده‌ام و حالا دیگر خودشان استاد شده‌اند و با خودم کار می‌کنند.»

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

**یک جدول با دو شرح**

۷۸۴۲

جدول عادی

- ۱- کورکور عامیانه - آگهی چاپی
- ۲- عزیز همه - کارکنان - خبیران
- ۳- رئیس ده - نان آبیگوشی - رنگ زخم!
- ۴- خوردن عربی - از اعیان و پنهانی‌ها - ترکیب شده - منفرد
- ۵- ریاضیدان نابغه - چادر، خیمه - شاعر قرن پنجم
- ۶- نوعی گیره مو - سال تحصیلی - نشانه اسم مصدر
- ۷- مزد - مقابل «افراط» - کلمه تنبیه
- ۸- افسار - از توابع باستانی شهرستان کنگان در استان بوشهر - پاک
- ۹- واحد مقاومت برقی - شتر مرغ آمریکایی - جبران کردن
- ۱۰- داغ کردن - شمالی نفیس - شهری در استان گیلان با طبیعت زیبا
- ۱۱- فیلمی تاریخی درام به کارگردانی «آوا داونای» - ظاهر شونده - کشیدن
- ۱۲- ... در خانه و ماگرد جهان می‌گردیم - کشوری در قاره سیاه - نت ششم - اغما
- ۱۳- زشت نیست - مردن در اثر حادثه - گل زیبای بهاری
- ۱۴- شهری در استان لرستان - مردان - پیروز
- ۱۵- گرده قارچ - کنایه از زود روی هم ایستادن

عمودی:

- ۱- ساک بزرگ مسافرتی - سریال طنز و خانوادگی در حال پخش شبکه سوم سیما
- ۲- فیلمی از «وحید امیرخانی» (۱۳۹۸) - تبلیغ روزنامه‌ای - اپلیکیشن پرداخت
- ۳- مقدمه - واژه پرستی - ورقه‌داری مؤسسات
- ۴- دعای جامدوگران - واژه آغازین کلام - پشته خاک - ضمیرغایب
- ۵- کشور اروپایی - مجاز از آهسته - خودآرایی
- ۶- تابلویی از «روی فاکس لیختنستاین» - صدای افتادن چیزی - سیستم
- ۷- سخت‌گیری - امضا - اسم دخترانه
- ۸- ناتوان، ضعیف - یک شخص - حقوق قدیم
- ۹- خودروی ایرانی - بند کردن اروپایی - مظهر سبکی
- ۱۰- وظایف - شناسنامه - سست، تنبل
- ۱۱- خمره بزرگ - اسباب‌فروختنی پهن شده - آبیگر
- ۱۲- آسیب - نهفتن - یا «بیلی» - آید - آماس شکم
- ۱۳- شهر بزرگ «هند» - مرد بخشنده - سازنده پای‌افزار
- ۱۴- چرم پرزدار مخملی - بهترین دوست - پادشاه پیشدادی که به دست ضحاک کشته شد
- ۱۵- برحرفی - درد سرگردنه

جدول ویژه

۳۸۷۳

جدول عادی

- ۱- کورکور عامیانه - آگهی چاپی
- ۲- عزیز همه - کارکنان - خبیران
- ۳- رئیس ده - نان آبیگوشی - رنگ زخم!
- ۴- خوردن عربی - از اعیان و پنهانی‌ها - ترکیب شده - منفرد
- ۵- ریاضیدان نابغه - چادر، خیمه - شاعر قرن پنجم
- ۶- نوعی گیره مو - سال تحصیلی - نشانه اسم مصدر
- ۷- مزد - مقابل «افراط» - کلمه تنبیه
- ۸- افسار - از توابع باستانی شهرستان کنگان در استان بوشهر - پاک
- ۹- واحد مقاومت برقی - شتر مرغ آمریکایی - جبران کردن
- ۱۰- داغ کردن - شمالی نفیس - شهری در استان گیلان با طبیعت زیبا
- ۱۱- فیلمی تاریخی درام به کارگردانی «آوا داونای» - ظاهر شونده - کشیدن
- ۱۲- ... در خانه و ماگرد جهان می‌گردیم - کشوری در قاره سیاه - نت ششم - اغما
- ۱۳- زشت نیست - مردن در اثر حادثه - گل زیبای بهاری
- ۱۴- شهری در استان لرستان - مردان - پیروز
- ۱۵- گرده قارچ - کنایه از زود روی هم ایستادن

عمودی:

- ۱- ساک بزرگ مسافرتی - سریال طنز و خانوادگی در حال پخش شبکه سوم سیما
- ۲- فیلمی از «وحید امیرخانی» (۱۳۹۸) - تبلیغ روزنامه‌ای - اپلیکیشن پرداخت
- ۳- مقدمه - واژه پرستی - ورقه‌داری مؤسسات
- ۴- دعای جامدوگران - واژه آغازین کلام - پشته خاک - ضمیرغایب
- ۵- کشور اروپایی - مجاز از آهسته - خودآرایی
- ۶- تابلویی از «روی فاکس لیختنستاین» - صدای افتادن چیزی - سیستم
- ۷- سخت‌گیری - امضا - اسم دخترانه
- ۸- ناتوان، ضعیف - یک شخص - حقوق قدیم
- ۹- خودروی ایرانی - بند کردن اروپایی - مظهر سبکی
- ۱۰- وظایف - شناسنامه - سست، تنبل
- ۱۱- خمره بزرگ - اسباب‌فروختنی پهن شده - آبیگر
- ۱۲- آسیب - نهفتن - یا «بیلی» - آید - آماس شکم
- ۱۳- شهر بزرگ «هند» - مرد بخشنده - سازنده پای‌افزار
- ۱۴- چرم پرزدار مخملی - بهترین دوست - پادشاه پیشدادی که به دست ضحاک کشته شد
- ۱۵- برحرفی - درد سرگردنه

جدول ویژه شماره ۷۸۴۲

جدول عادی شماره ۷۸۴۲

جدول ویژه شماره ۳۸۷۳

جدول عادی شماره ۳۸۷۳

ارقام ۱ تا ۹ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳×۳ یکبار دیده شود

**جدول سودوکو**

متوسط

۳	۹	۷						
	۸							

آسان


**جدول سودوکو شماره ۳۸۷۳**

خیلی سخت


سخت


جدول ویژه شماره ۷۸۴۲

جدول عادی شماره ۷۸۴۲

جدول ویژه شماره ۳۸۷۳

جدول عادی شماره ۳۸۷۳